

نماز و همسان‌های آن در قرآن

(و جایگاه آن در متون صوفیانه و عارفانه)

آموزشکده فنی و حرفه‌ای سما، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مشهد، مشهد، ایران

Sama technical and vocational training college, Islamic Azad University, Mashhad Branch,
Mashhad, Iran

مجتبی گلی آیسک

عضو هیئت علمی تمام وقت سازمان سما- سازمان سما (وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی) - واحد مشهد؛ دانشجوی دکتری ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

deargoli@gmail.com

چکیده

نماز، امانت عشق الهی است که سالکان را به سوی رستگاری و عرفان رهنمون می‌سازد. یک برنامه‌ی کامل جسمی و روحی برای تعالی انسانی است که می‌خواهد به خویشتن حقیقی خویش دست‌یابد. در نماز عاشقانه، نمازگزار از یک سو ریشه در خاک دارد و از سوی دیگر سر بر آسمان عشق می‌ساید. در این پژوهش ابتدا ریشه و معنای واژه‌ی نماز را بررسی کرده و سپس نماز را از دید متون صوفیانه و عارفانه به چالش می‌کشیم. در ضمن، نماز عاشقانه را در ادبیات فارسی مورد بحث قرار داده و در پایان، نماز و جایگاه آن را در قرآن کریم ارزیابی می‌کنیم. با رجوع به آیات شریفه‌ی قرآن، برخی از همسان‌های نماز عبارت است از: رفتار، زندگی، مرگ، اجابت امر خدا، مشورت، نیکی، صدقه، وفای به عهد، امر به معروف و نهی از منکر، صبر، زکات، و انفاق.

واژه‌های کلیدی: نماز، نماز عاشقانه، قرآن، صلوه، زکات.



Mojtaba, Goli Ayask

Sama technical and vocational training college, Islamic Azad University, Mashhad Branch, Mashhad, Iran

Department of Literature, Azad University of Mashhad, Mashhad, Iran (Faculty member of Azad university (Sama Mashhad-Iran)- PhD Student of Azad university of Mashhad)

Prayer and Its Resemblances in Holy Quran

(And its position in the Sufi and mystical texts)

Abstract

Prayer is a divine safekeeping that leads people to salvation and mysticism. This is a full program of physical and spiritual transcendence to man that wants to achieve their true selves. In loving prayer, worshiper of the one side rooted in the soil and on the other side goes to the sky of love. In this study we survey the origin and meaning of the word prayer and then challenge the prayer from the viewpoints of the Sufi and mystical texts. In the meantime, we discuss the loving prayer in Persian literature, and at the end we assess prayer and its place in the Holy Quran. With reference to the verses in the Holy Quran, some of Prayer resemblances include: the behavior, life, death, accepting the God's order, advice, goodness, alimony, promise Kept, admonishing fellow believers to do right and to avoid sin, patience, Zakat, and charity.

Keywords: *Prayer, loving prayer, Holy Quran, Salat, Zakat.*

مقدمه

نماز، متحول‌کننده‌ترین فعالیتی است که بشر می‌تواند از طریق آن به معرفت واقعی و اتحاد با معشوق واقعی خود برسد. نماز فقط سخن گفتن یک طرفه نیست، نیاز و جواب است، پاسخی فراتر از فهم انسان برای پرسش‌های دنیوی و اخروی است. در نماز است که «انسان» به معنای واقعی کلمه فهمیده می‌شود و ماهیت الهی خلیفه خدا بر روی زمین متجلی می‌شود.

چه بسیاری از نمازهای خالصانه که روی در محبوب دارند و چه بسیاری از نمازهای کودکانه که پشت بر قبله و روی در خلق دارند. نقش هر نمازی را می‌توان از قبله‌ی آن فهمید؛ از لحظه‌ای که جرقه‌ی آن در ذهن زده می‌شود تا لحظه‌ای که سلام آن به پایان می‌رسد. یک جا وسیله‌ی رزق و روزی است و جایی دیگر وسیله‌ی عبادت، خدمت، روزی‌رسانی و رهایی از قیدهای دنیایی. کسی که نماز حقیقی می‌خواند همه از او در امان بوده، و او یاور دیگران در جامعه است. او از من شخصی به من اجتماعی مبدل می‌شود و جامعه را می‌سازد آن طوری که می‌توان نام آن را مدینه‌ی فاضله نامید؛ مدینه‌ی فاضله‌ی شخصی و جمعی.

ریشه و معنای واژه‌ی نماز

نماز، نردبان بام ملکوت الهی است که هر پله‌اش، پلکانی است به سوی نور و معرفت. نماز، بزرگ‌ترین آیین انسان‌سازی است، منشور هزار نقشی است که هر ساحت آن بازتاب جلوه‌ای از جلوات ملکوت را فراچشم می‌آورد. تصویری از ازلیت و ابدیت است؛ طرحی نو از جهانی نوین است که سرمستان عشق را به سرمنزل دوست فرامی‌خواند. واژه‌ی نماز یا همان صلوه یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین واژگان قرآنی است که در سایه‌سار آن مفاهیم والای انسانی مطرح شده است.

واژه‌ی «الصلوه» بدون مشتقات، 61 بار و با مشتقات، 98 بار در قرآن کریم به کار رفته است. این واژه در قرآن با دو ریشه ذکر شده است: «صلی یصلی» به معنای افروختن آتش یا چیزی شبیه آن که ارتباطی با مفهوم نماز ندارد... و دیگری خود واژه‌ی «صلوه» از ریشه‌ی «صلی یصلو» که در قرآن به چند معنا به کار رفته است: 1. دعا، تبریک و تمجید. (توبه/ 103؛ احزاب/ 56) 2. عبادت خاص (نساء/ 103) 3. عبادت (انفال/ 35) 4. رحمت خداوند (بقره/ 157) کنیسه‌های یهودیان (حج/ 40) (رک؛ جانی‌پور، 1390: 189؛ و نیز رک: سعیدی‌روشن، 1388: 90) البته در قرآن در خصوص واژه‌ی صلوه به معنای آتش، با برداشتی عرفانی این‌گونه گفته شده است:

صلی در آتش رفتن بود یعنی وجود مصلی در صلوه به قبول انوار تجلی صفات از غایت خضوع و خشوع و حرقت و ذوبان گویا در عین آتش است. (عزالدین کاشانی، 1381: 295)

هم‌چنین در خصوص همین مطلب آمده است که: صلوه از صلی به معنای آتش افروختن و به آتش سوختن. از صلیه یا اتصال به معنای پیوند است. تماس مستقیم با حقیقت، کشف فرمول احتراق نیست، بلکه دست نهادن بر آتش است، فرو رفتن در نوعی جذب است... عارف صلوه را بر عروج سالک به عالم جبروت می‌داند. جلوه‌گاه صفات الهی. برهنه شدن از همه‌ی علایق. (میرآخوری، 1386: 494) نماز تعظیم انسان در برابر خالق سرمدی و ازلی است؛ سرفرود آوردن در برابر ذات خوبی است:

نماز یا صلوات، در لغت، سر فرود آوردن برای تعظیم و سجده است. (رادمنش، 1385: 56) گفته شده که از اسم صلوه، معنای وصل فهمیده می‌شود یعنی باید از روی شوق و نشاط به نماز ایستاد. (سبزواری و سایر، 1377: 38)

در فرهنگ پهلوی، نماز (namâz) واژه‌ای سغدی و همسان با تکریم و دعا ذکر شده است. (مکنزی، 1373: ذیل واژه) هم-چنین این واژه در زبان پهلوی به صورت نماج (namâc) و به معنای دعا، تعظیم و ستایش نیز آمده است. (فره وشی، 1352: ذیل واژه) ریشه‌ی واژه‌ی نماز را از **نمه** نوشته‌اند:

نماز از ایرانی باستان: nam (خم شدن، تعظیم کردن)، قیاس‌شود با اوستائی: nemah (دعا)، هندی باستان: namas، پانزد: namazh، افغانی: nmunj، بلوچی: namash، nawash، کردی: nymi، nymij، اورامانی: namaz، گیلکی: namaz. (تبریزی، 1362: ذیل حاشیه‌ی واژه) هم‌چنین نماز در سه معنا به کار رفته و احتمالاً دارای ریشه‌ای عبرانی است: معنای اول اطاعت و فرمان‌برداری و بندگی، معنای دوم پرستش و اطاعت خداوند، و معنای سوم پاک و طاهر است. به احتمال زیاد واژه‌ی «صلاه» ریشه‌ی عبری داشته و در زبان عبرانیان «صلواتا» به معنای کنیسه‌ی یهودیان است. (خزائلی، 1387: 338، و نیز رک: صفی‌پور، 1377ق: ذیل واژه‌ی صلوه) برخی نیز معتقدند که معنای اصلی صلوه، از ریشه‌ی صلی به معنای دعا بوده و در قبل از اسلام این لفظ به معنای پرستشگاه یا نیایش به کار می‌رفته است. (راغب، 1412ق: ماده‌ی «صلی»).

نماز صوفیانه، عارفانه و عاشقانه

نماز از دو منظر صوفیان و عارفان قابل ارزیابی است و بالاترین مرتبه‌ی نماز را می‌توان در عبادت عاشقان حقیقی دید. کسانی که از ظاهر و باطن گذشته و در راه دوست همه چیز را فانی و باقی کرده‌اند. به طور معمول، نماز، در متون صوفیانه جنبه‌ای ظاهری و تعبیدی محض، و در متون عارفانه جنبه‌ای باطنی و تا حدودی عاشقانه دارد.

در برخی از متون **صوفیانه**، نماز را از روی لغت به معنای ذکر و انقیاد معرفی کرده‌اند. (هجویری، 1389: 439) و در یکی از متون **عارفانه**، اشتقاق صلوه را از صِلَت/صَلَّیت دانسته و صِلَت را به معنای مناجات و سخن‌گفتن بنده با حق ترجمه کرده‌اند. (عین القضاة همدانی، 1389: 80)

به گفته‌ی صاحب کتاب تعرف، اغلب صوفیان به تعجیل نماز، و نماز قصر کردن در سفر اعتقاد داشته‌اند. (کلابادی، 1371: 363-4) از نظر صوفیان، **محافظة و مداومت** (تن بر ورد، زبان به ذکر، و سر بر ضبط) از اصول مهم نماز به شمار می‌رود. (رک: انصاری، 1388/میدان 47: 145) آمده است که صوفیان نماز را به چهار شعبه بخش می‌کرده‌اند:

حضور قلب در محراب، شهود عقل در پیشگاه خداوند وهاب، خشوع قلب با همه‌ی جان و عاری از گمان و تردید، و خضوع ارکان بدن. (سراج طوسی، 1388: 199)

جالب است که ترزا آویلایی، عارف مشهور اسپانیایی، نمازها (نیایش‌ها) را به چهار دسته تقسیم کرده است؛ که نوعی تقسیم‌بندی ذوقی و عارفانه به شمار می‌رود: 1. نماز ذهنی (مراقبه) 2. نماز ذکر 3. نماز سکوت 4. نماز وصال نهایی. (قنبری، 1385: 109)

که البته نماز وصال نهایی همان **نماز نیستی** است که در آن انسان در نهایت نیستی به وصال حق می‌رسد:

اگر یک سجده احرام نماز نیستی بندی قضای هر دو عالم می‌توان یک جا ادا کردن

(بیدل دهلوی، 1387: غ 309)

نماز در متون صوفیانه از چنان اهمیتی برخوردار است که جریح عابد حتی برای دیدن مادرش حاضر نیست نمازش را رها کند. (قشیری، 1388: 644) یعنی سخن گفتن با خدا از منظر ایشان بر سخن گفتن با مادر ارجحیت دارد.

در همین رابطه ولی در متون عارفانه آمده است که: در نماز نشاید پدر و برادر را پرسیدن و تعظیم کردن، و بی التفاتی به دوستان و خویشان در حالت نماز عین التفات است و نوازش. (مولوی، 1387: 66)

زیباترین نگاه به نماز، نگاه عارفانه-عاشقانه است که در خلال آن رنگ و بوی وصال به خوبی دیده می‌شود:

در نگاه عرفانی به نماز می‌توان به لطافت آن توجه کرد. کسانی که از این زاویه به نماز نگریسته‌اند آن را راهی برای گفت‌و-گویی عارفانه و عاشقانه با خدا یافته‌اند. در طی نماز شخص می‌تواند صدای خدا را بشنود و وجود و حضور او را درک کند. (قنبری، 1385: 117)

به راستی که نماز عارفانه، رمز رسیدن به نماز عاشقانه بوده و دریایی از اسرار الهی در آن نهفته است:

چه پرسى از نماز عاشقانه رکوعش چون سجودش محرمانه

تب و تاب یکی الله اکبر نگنجد در نماز پنجگانه!

(اقبال لاهوری، 1389: 680)

شرط اساسی نماز عاشقانه در توحید حق و ترک خویشتن خویش است تا بدان وسیله حجاب عاشق و معشوق از میان برخیزد:

نماز عاشقانه منحصر به حرکات قیام و قعود و سجود نیست؛ بلکه در نفی غیریت و خود را باختن و یکی شدن محب و محبوب است. (رادمنش، 1389: 97)

در نماز عاشقانه، قبله‌ی حقیقی، ابروی کمانی یار است که محراب روح عاشق به شمار می‌رود:

در نمازم خم ابروی تو با یاد آمد حالتی رفت که محراب به فریاد آمد

(حافظ، 1370: غ 173)

به قول یکی از شاعران خوب معاصر، این نماز عاشقانه-عارفانه، سرشار از نور و زیبایی است:

در نمازم جریان دارد ماه، جریان دارد طیف (سپهری، 1389: 238)

در فرهنگ عارفان، مقام نیاز بالاتر از مقام نماز انگاشته شده است؛ لذا زمانی که ابراهیم ادهم بعد از کلی نماز و عبادت می-فهمد که کعبه به استقبال از وی به استقبال رابعه عدویه رفته، در جوش و خروش می‌شود. لذا از روی غرور به رابعه می‌گوید:

چهارده سال در نماز، بادیه را قطع کردم. و رابعه در پاسخ می‌گوید: تو در نماز قطع کردی و من در نیاز. (رک: عطار نیشابوری،

1388: 64)

صفا و طهارت یکی از شروط اصلی نماز است؛ به همین سبب عارفان شرط اساسی نماز را بر طهارت (اعضا و درون) می‌دانند: اما شرط صحت نماز موقوف است بر طهارت که بی طهارت، نماز حاصل نیاید... درجه‌ی اول طهارت، پاک کردن اعضا و اندام است از

نجاست... و درجه‌ی دوم، پاکی جُستنِ اندرون است از خصال ذمیمه. (عین‌القضاء همدانی، 1389: 79) این طهارت عارفانه از سر درد بوده و با اشک و خون جگر حاصل می‌شود:

خوشا نماز و نیاز کسی که از سر درد
به آب دیده و خون جگر طهارت کرد

(حافظ، 1370: غ 132)

وضوی نماز عاشقان، رنگ خون دارد و تجسم واقعی قربان‌شدن در راه معشوق است: در عشق دو رکعت است که وضوء آن درست نیاید الا به خون. (عطارد، 1388: 517) یکی از ویژگی‌های مهم نماز عشاق، دائمی بودن آن است:

نمازی که آدمی را به آستان الهی دعوت می‌کند و به آن سمت هدایت و راهنمایی می‌نماید، در پنج وقت تعیین شده است. انسان نیز با انجام این فریضه الهی ذمه‌ی خود را از بار سنگین تکلیف سبک می‌نماید؛ ولی نماز عشاق، دائمی است و آنان دائماً در حال نماز به سر می‌برند. (صادقی حسن‌آبادی و سایر: 132)

نماز عاشقانه، در روابط عاشقانه‌ی بین انسان‌ها هم راه یافته و قابل تفسیر است. به طوری که می‌توان ردّ پای آن را در مراسم عروسی مشاهده کرد که نشانه‌ی سپاس‌گزاری از خداوند به خاطر عطیه‌ی گران‌بهای عشق است. در همین خصوص از امام صادق(ع) نقل شده است که:

چون عروسی به خانه آوردید، وضو سازید، تن و روان خویش طراوت بخشید، رو به خدای مهربان کنید و دو رکعت نماز عشق به جای آورید. به عروس خود نیز بگویید همین کار را بکند. (طبرسی، بی‌تا: 239)

نماز، درست بسان آدمی، هم قالب دارد و هم روح. کالبد نماز در معنای ظاهری حرکات نماز خلاصه می‌شود ولی روح نماز، از حقیقتی باطنی برخوردار بوده که دستیابی به آن، تنها با یاد خالصانه‌ی حضرت حق امکان‌پذیر است: پیکر نماز عبارت است از قیام، رکوع، سجود، تشهد، و اذکاری که در نماز بر زبان جاری می‌کنیم. ولی روح نماز، یاد خداوند است، که به آن حضور قلب گفته می‌شود یعنی قلب حاضر باشد. (سیدنژاد، 1391: 33) از این رو در متون عارفانه، جان نماز، استغراق و بی‌هوشی در حق است نه صورت و قالب تنها. (مولوی، 1387: 67)

نماز و جایگاه آن در قرآن

در ایران باستان، نماز برای تقرب به ایزد مهر و همراه با نیایشی شایسته انجام می‌شده است: ای مهر! تو را با نمازی که در آن، نام تو بر زبان آید، با نیایشی در خور زمان و با زور می‌ستایم. (دوستخواه، 1389/ج1: 360) و نمازگزاران در پیشگاه اهوره‌مزدا سه بار [و با پنج نیایش] بوده است. (همان/ج2، 589؛ و نیز: بویس، 1390: 112) نماز برنامه‌ای کامل برای درمان بیماری‌ها نیز به شمار می‌رود:

امروزه برای کاهش تنش و اضطراب و حتی درمان بیماری‌ها از روش‌های مختلفی، مثل آرام‌سازی و مراقبه استفاده می‌شود که همگی آن‌ها در نماز وجود داشته و به بهترین وجه می‌توان به آن‌ها دست‌یافت. (موسوی و سایر، 1390: 106) هدف از نماز در اسلام، تقرب جستن به ذات بی‌کران الهی بوده که رفتاری عبادی محسوب می‌شود:

در اسلام، همه‌ی فرایض با هدف تقرب بندگان مؤمن، به خداوند وضع شده‌اند. بنابراین، عمل به هر حکم واجب یا حتی مستحب، از این منظر، رفتاری عبادی است. (رودگر، 1389: 4 و 5)

هنگام دستیابی به مقام تقرب الهی، باید از همه چیز دل‌کنده و تنها به خالق هستی اندیشید:

مقام نماز مقام رسیدن به خداست و درک قرب و شکوه و ترس و بزرگی و مشاهده‌ی او. رازدانی و رازکاری با خدا و مناجات و وقوف در پیشگاه اوست و اعراض از همه و اقبال به او. (سراج طوسی، 1388: 195) در نماز، حتی حرکات بدنی هم دارای ارزش بوده و مکمل روح نماز و حضور قلب است:

حرکات نماز مدلی را برای تلفیق فعالیت‌های بدنی با حقیقت، ارائه می‌نماید... روح نماز، تمرکز حواس یا حضور قلب است؛ در هر نمازی، مسلمانان به صورتی پایدار و محکم تلاش می‌کنند تا قلب در ذکر خداوند، مبهوت گردد. (چیتیک، 1391: 116)

نماز حقیقی، نشانه‌ی لبیک اوامر کبریایی و وارد شدن به زمهری دوستان و عاشقان خداست: نماز کردن دلیل است بر دعوت کردن به سوی خدای و پیوستن به اولیای خدای تعالی. (قبادیانی، 1390: 143) آن چه در نماز از همه چیز مهم‌تر انگاشته می‌شود، توجه باطنی انسان به خداست که راز و نیاز عاشقانه را موجب می‌شود: نماز، توجه باطن است الی الله و ملازمت در حضور و اقبال به سوی حق، و اعراض از ما سوی الله و دوام مکاشفت با حق و مقام راز و نیاز. (سجادی، 1362: 473)

در برخی از متون تفسیری قرآن، برای واجب شدن نماز، سه شرط ذکر کرده‌اند: مسلمانی، رسیدگی، و عاقلی. (رواقی، 1383: 21) یعنی برای اقامه‌ی نماز، تشریف به آیین اسلام، بلوغ و داشتن خرد ضروری است.

اقامه‌ی همه‌ی نمازها به ویژه نماز وسطی در قرآن از اهمیت بالایی برخوردار است آن چنان که خداوند کریم در این باره می‌فرماید: حافظوا علی الصلوات و الصلاه الوسطی و قوموا لله قانتین (بقره/238) اما مراد از نماز وسطی چیست؟ و چرا به آن وسطی می‌گویند؟ در جواب به این پرسش باید بگوییم که:

نماز دیگر را وسطی خوانند یعنی که این نماز به میان پنج نماز اندر است... نماز بامداد و نماز پیشین پیش از اوست و نماز شام و نماز خفتن پس از اوست و او اندر میانه است. (قبادیانی، 1390: 150، و نیز رک: طبری (ترجمه)، 1356/ج1: 432) نام‌های دیگری هم برای نماز وسطی قائل شده‌اند:

به صلاه الوسطی، نماز دیگر، نماز بهترین، و نماز میانگین هم گفته شده است. (یاحقی، 1377/ج3: 934) اما برخی از پژوهشگران، با تأکید بر احتمال بالای قضا شدن نماز صبح و فضیلت آن، نماز صبح را بهترین مصداق صلاه وسطی در قرآن دانسته‌اند:

مفسرین، نمازهای ظهر، عصر و صبح را از مهم‌ترین مصداق‌های «صلوه الوسطی» شمرده‌اند... و نماز صبح، مصداق برتر صلوه-الوسطی است. (شایسته نژاد، 1389: 139) در متون ادب فارسی، نمونه‌ای برای این که نماز وسطی همان نماز صبح باشد دیده نشد، اما این نظریه قابل تأمل، و نیازمند بررسی بیشتر است. در ضمن نباید این نکته را فراموش کرد که در ایام قدیم نماز عصر را هنگام غروب آفتاب و با فاصله از نماز ظهر می‌خوانده‌اند لذا بسان نماز صبح، امکان فوت نماز بالا بوده است. آن چنان که نماز عصر سلیمان نبی(ع) قضا شد:

پس چون نهصد اسپ عرضه کرده بودند، آفتاب فرو شده بود و نماز دیگر از وقت شده، سلیمان(ع) تنگ دل شد... و با خویشتن عتاب کرد و گفت خدای عزوجل دوستی این جهان در دل من افکند تا نماز از من بشد و آفتاب فرو شد. (بلعمی، 1388: 415)

از مهم‌ترین اشارات قرآن به نماز و همسان‌های آن، و جایگاه والای نماز و نمازگزاران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تأکید بر حفظ نمازها و اهمیت نماز وسطی (بقره/238) اشاره به نماز هنگام زوال آفتاب تا اول تاریکی شب، و نماز صبح (اسراء/78) اشاره به نماز در دو طرف روز (اول و آخر روز) و نماز در ساعت تاریکی شب (هود/114) [حفظ نماز در جامعه و اشاره به تعدادی از نمازها]

صفات نمازگران در قرآن عبارتند از: یحافظون (انعام/92؛ معارج/34؛ مؤمنون/9)؛ خاشعون (مؤمنون/2)؛ داثمون (معارج/23)؛ ساهون (ماعون/5). [محافظت بر نماز، کسب خشوع، دائمی بودن نماز در زندگی و حضور قلب پیوسته از ویژگی‌های نمازگران حقیقی به شمار می‌رود؛ و در مقابل کسانی که در نماز کاهل بوده و آن را سبک می‌شمارند، مورد شماتت قرار می‌گیرند.] ساختن مساجد از دیگر نشانه‌های نمازگزاران است. (توبه/18) [گسترش مکان عبادت] مؤمنان واقعی برای اقامه‌ی نماز، حتی اگر لازم باشد به مهاجرت اقدام می‌کنند. (ابراهیم/37) [رفتن به مکانی دشوار برای زندگی جهت برپایی نماز که بر اهمیت نماز دلالت دارد.] لزوم طهارت و وضوی مسلمانان (و در بعضی شرایط تیمم به جای آن) هنگام نماز (مائده/6) [اهمیت مقدمات نماز و توجه به پاکی بدن مؤمنان پیش از ورود به نماز، جایگاه پاکی و طهارت و کسب آمادگی قبل از ورود به خود نماز] سوگند پس از نماز، برای شهادت- دادن مطلبی از سوی مؤمنان (مائده/106) [سوگنددهنده‌ی موحد، پس از نماز حقیقی هیچ‌گاه سوگند دروغ بر زبان جاری نمی- سازد.]

مسخره کردن بانگ نماز نشانه‌ی بی‌خردی (مائده/58) [احترام به شاعر دینی، قداست اذان به منزله‌ی دعوت عمومی مردم به سوی حق، احترام به اعلان دعوت عمومی به سوی نماز]

اشاره به کوتاه کردن نماز در سفر یا هنگام برخورد با کفار (نساء/101) [حفظ جان مؤمنان در شرایط اضطراری]، اشاره به آمادگی جنگی و مسلح بودن در نماز هنگام جنگ (نساء/102) [افزایش توان جنگی، و توجه به ارزش والای جان مسلمانان حتی در هنگام مناجات با خدا]

اجازه برای ورود به خانه‌ی دیگران قبل از صلاه فجر و بعد از صلاه عشاء (نور/58) [توجه به پوشش بدنی مؤمنان قبل از نماز صبح و بعد از نماز عشاء]

نماز با رفتار، زندگی و مرگ همسان انگاشته شده است. (انعام/162) نماز با اجابت امر خدا و دعوت به مشورت همسان انگاشته شده است. (شوری/38) نماز با نیکی، صدقه و وفای به عهد همسان انگاشته شده است. (بقره/177) نماز با امر به معروف و نهی از منکر همسان انگاشته شده است. (حج/41؛ لقمان/17) نماز با صبر همسان انگاشته شده است. (بقره/45؛ بقره/153؛ بقره/177) نماز با زکات همسان انگاشته شده است. (بقره/43؛ بقره/83؛ بقره/110؛ بقره/177؛ بقره/277؛ نساء/77؛ نساء/162؛ مائده/12؛ مائده/55؛ انبیاء/73؛ توبه/5؛ توبه/11؛ توبه/18؛ توبه/71؛ حج/41؛ حج/78؛ نور/37؛ نور/56؛ نمل/3؛ لقمان/4؛ احزاب/33؛ مجادله/13؛ مزمل/20؛ بینه/5) نماز با انفاق همسان انگاشته شده است. (بقره/3؛ انفال/3؛ توبه/54؛ حج/35؛ رعد/22؛ ابراهیم/31؛ فاطر/29؛ شوری/38)

با توجه به آیات مورد اشاره، تعدادی از همسان‌های نماز در قرآن کریم عبارت است از: رفتار، زندگی، مرگ، اجابت امر خدا، مشورت، نیکی، صدقه، وفای به عهد، امر به معروف و نهی از منکر، صبر، زکات، و انفاق. در این میان، بالاترین میزان همسانی به زکات اختصاص دارد که نشان‌دهنده‌ی جایگاه والای زکات در جامعه‌ی اسلامی است؛ یعنی این که در جامعه‌ای که در آن نماز اقامه می‌شود، نباید فقر و محرومیت هم‌نوعان دیده شود. به علاوه، نمازی مورد قبول واقع می‌شود که در عین خلوص، با بخشش به دیگران همراه باشد. بعد از زکات، نوبت انفاق عمومی در همه چیز است که موجب ریشه کن کردن کامل فقر و محرومیت در جامعه می‌شود. لزوم رعایت صبر در کنار اقامه‌ی نماز، نشانگر جایگاه والایی است که شریعت مقدس اسلام برای صبر و صابرین قائل شده است؛ یعنی نمازی که ارمغان آن، صبر نباشد، از درجه‌ی ارزشمندی یا مقبولیت دور است. سایر موارد نیز باید مورد توجه قرار بگیرند تا نمازی به حد کمال انجام شود.

شیطان، عامل دور کردن انسان از نماز (مائده/91) دوری از نماز در حال مستی (نساء/43) ناپسند بودن نماز با حالت اکراه و کسالت و علامت نفاق (توبه/54؛ نساء/142) ناپسندی سهل‌انگاری در نماز (ماعون/5) ترک نماز، عامل گرایش به شهوت نفس

(مریم/59) [موانع اقامه‌ی نماز: شیطان، مستی، سهل‌انگاری، شهوت. همه‌ی این موانع به تنهایی یا همراه سایر علل، می‌توانند موجب دوری انسان از عبادت خالصانه شوند.]

عذاب تکذیب‌کنندگان حق و بی‌نمازان (قیامه/31) [بی‌نمازی واقعی همان تکذیب حق است.]

در ادامه برای جلوگیری از اطناب مطلب، و دستیابی به نتایج بهتر درباره‌ی نماز، اهمیت آن، همسان‌های نماز، و ویژگی‌های نمازگزاران در قرآن به موارد مربوط به صورت جدول اشاره می‌شود:

طه/14	ذکر خدا (در کنار توحید)
طه/132؛ حج/35	کسب صبر
عنکبوت/45	دوری از زشتی و ناپسندی
اعلی/14 و 15؛ مؤمنون/1 و 2؛ حج/77	راه و وسیله‌ی رستگاری (همراه خشوع)
بقره/45؛ بقره/153	وسيله‌ی استعانت (همراه صبر)
حج/41	نشانه‌ی تمکن و قدرت
بقره/45؛ فاطر/18	نشانه‌ی خشوع و پاکی
اعراف/170	علامت مصلحان و نشانه‌ی پاداش
هود/114؛ رعد/22	نوعی حسنه؛ و از بین برنده‌ی گناهان
بقره/3؛ نمل/3؛ لقمان/4؛ نساء/162	نشانه‌ی ایمان به غیب و آخرت
انعام/72؛ روم/31	علامت تقوا
یونس/87	نشانه‌ی بشارت
نور/56	عاملی برای مورد رحمت واقع شدن
شوری/38	اجابت امر خدا
بینه/5	علامت اخلاص
بقره/277	عدم خوف و حزن
مائده/55	علامت یاوران واقعی

جدول نشانه‌ها و فواید نماز در قرآن

می‌توان بر اساس این جدول، برخی از علائم و نتایج نماز را در قرآن این‌گونه توصیف کرد: گسترش ذکر خدا، دوری انسان از بدی، کسب صبر و رستگاری، نشانه‌ی تمکن؛ خشوع؛ پاداش؛ ایمان؛ تقوا؛ شجاعت؛ بشارت؛ یاوران واقعی مؤمنان؛ و اخلاص، عامل شادی و مستحق رحمت شدن، و از بین برنده‌ی گناهان.

پس می‌توان نماز را یک برنامه‌ی کامل دینی دانست که در آن خدا و خوبی حضوری پُررنگ داشته و عاری از هر نوع زشتی و گناه است. موخدان راستین با استعانت از نماز حقیقی، صبور، رستگار، شاداب، متواضع و قدرتمند شده، و از سقوط در پرتگاه هواهای نفسانی دور می‌شوند.

نتیجه‌گیری

نماز، کلید رستگاری و شادی است که از طریق آن می‌توان به خودشناسی و خداشناسی دست یافت. اکسیر نماز با تبدیل من شخصی به من اجتماعی، زمینه‌ساز ایجاد مدینه‌ی فاضله می‌شود. واژه‌ی صلوه با مشتقات آن حدود صد بار در قرآن کریم ذکر شده که بر اهمیت این فریضه‌ی الهی دلالت دارد. این واژه در قرآن به معنای مختلفی چون: آتش، دعا و تبریک، نوعی عبادت، رحمت، و معابد یهودیان به کار رفته‌است. خود واژه‌ی نماز به تنهایی به معنای تعظیم و سرفروداوردن [در برابر خالق هستی] است. در ایران باستان، و در زبان پهلوی، این واژه به صورت نمه یا نماچ و به معنای تکریم و نیایش به کار می‌رفته که احتمالاً ریشه‌ی عبرانی دارد. نماز در متون صوفیانه و عارفانه غالباً مورد توجه نویسندگان و شاعران بوده‌است. در متون صوفیانه بیشتر به کلیت نماز به عنوان امری عبادی توجه شده؛ در حالی که در متون عارفانه روح و باطن نماز مورد عنایت‌است تا جایی که می‌توان سرآغاز نماز عاشقانه را در این‌گونه آثار عارفانه پیدا کرد. نماز عاشقانه، فنای در ذات احدی است و نهایت وصال و اتحاد عاشق و معشوق را نشان می‌دهد. نماز دو رکعتی عشق، گاهی با خون وجود حاصل شده و گاهی به نشانه‌ی سپاس از خالق عشق و مهربانی در مراسم دینی مسلمانان نمود پیدا می‌کند. به هر طریق، نماز حقیقی در دو محور قالب و روح در نوسان است و هر دو بُعد جسمانی و روحانی انسان را پوشش می‌دهد. هدف نهایی نماز تقرب به خدا و ترک ما سوی الله است. یکی از مهم‌ترین نمازهای مورد اشاره‌ی قرآن، نماز وسطی است که بنا به اختلاف نظر مفسران و محققان، به نماز صبح، ظهر یا عصر اطلاق شده‌است. با توجه به اهمیت نماز وسطی و فوت نماز عصر سلیمان(ع)، می‌توان این نماز را همان نماز وسطی دانست اگرچه هنوز جا برای تحقیق در این زمینه فراهم است. از صفات نمازگزاران حقیقی در قرآن می‌توان به محافظت بر نماز، تواضع، صبوری، و حضور قلب اشاره کرد. تعدادی از همسان‌های نماز در قرآن عبارت است از: رفتار، زندگی، مرگ، اجابت امر خدا، مشورت، نیکی، صدقه، وفای به عهد، امر به معروف و نهی از منکر، صبر، زکات، و انفاق. که در این میان زکات و انفاق از مهم‌ترین همسان‌های نماز در قرآن تلقی می‌شود. این امر بر اهمیت نماز حقیقی همراه با بخشش، و نیز ماهیت والای زکات و انفاق در سطح جامعه برای نابودی کامل فقر و توزیع عادلانه‌ی ثروت دلالت دارد. برخی از علائم و نتایج مهم این نماز واقعی در قرآن عبارت‌است از: ذکر خدا، رستگاری، شادابی، صبوری، و صفای باطن. بر همین اساس است که نماز، الگوی حقیقی سعادت و کامل‌ترین فعالیت دینی موحدان راستین تلقی می‌شود.

مراجع

- 1- اقبال لاهوری، محمد (1389)؛ کلیات اقبال لاهوری، به کوشش اکبر بهداروند، تهران: زوار، چ چهارم.
- 2- انصاری، خواجه عبدالله بن محمد (1388)؛ صد میدان، بررسی؛ تصحیح متن و توضیحات سهیلا موسوی سیرجانی، تهران: زوار، چ سوم.
- 3- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد (1388)؛ تاریخ بلعمی [ترجمه‌ی تاریخ طبری]، تصحیح محمدتقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، تهران: زوار، چ چهارم.
- 4- بویس، مری (1390)؛ آیین زرتشت [کهن روزگار و قدرت ماندگار]، ترجمه ابوالحسن تهامی، تهران: نگاه، چ چهارم.
- 5- بیدل دهلوی، عبدالقادر بن عبدالخالق (1387)؛ کلیات میرزا عبدالقادر بیدل دهلوی؛ تصحیح خال محمد خسته-خلیل الله خلیلی، تهران: زوار.
- 6- تبریزی، محمد حسین بن خلف [متخلص به برهان] (1362)؛ برهان قاطع؛ به اهتمام دکتر محمد معین، تهران: امیر کبیر.
- 7- جانی‌پور، محمد (1390)؛ «جایگاه نماز در اندیشه‌ی امام رضا(ع)»، مطالعات قرآن و حدیث، س 5، ش 1، پیاپی 9، 25 صفحه (از 187 تا 211)، ص 189.
- 8- چیتیک، ویلیام (1391)؛ «اشارات جسمانی نماز»، کتاب ماه دین، ترجمه معصومه نقدبیشی، ش 179، 3 صفحه (از 115 تا 117)، ص 116.
- 9- حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد (1370)؛ دیوان حافظ [افزونی- غنی]، به تصحیح و تحقیق منصور موحد زاده، تهران: پژوهش، چ اول.
- 10- خزائلی، محمد (1387)؛ احکام القرآن، تهران: معرفت، چ اول.
- 11- دوستخواه، جلیل (1389)؛ اوستا، (گزارش و پژوهش)، 2 ج، تهران: مروارید، چ پانزدهم.
- 12- رادمنش، عطاءمحمد (1385)؛ «متون عرفانی و نماز»، کیهان‌فرهنگی، ش 5-234، 6 صفحه (از 56 تا 61)، ص 56.
- 13- رادمنش، عطاءمحمد (1389)؛ «غلغل اجزای عالم بشنوید (تحلیل عارفانه‌ی نماز از دید مولوی)»، پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی، س 2، ش 7، 22 صفحه (از 83 تا 104)، ص 97.
- 14- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412 ق.)؛ المفردات فی غریب القرآن، تصحیح صفوان عدنان داوودی، بیروت: دارالعلم.
- 15- رواقی، علی (1383)؛ تفسیر قرآن پاک (متن تفسیری به کوشش علی رواقی)، تهران: سمت، چ اول.
- 16- رودگر، قنبرعلی (1389)؛ «از نماز تا نماز: تأملی در تاریخ نماز جمعه تا پایان خلافت عباسی»، تاریخ و تمدن اسلامی، س 6، ش 12، 18 صفحه (از 3 تا 20)، ص 4 و 5.
- 17- سبزواری، ملاهادی- اسدی، حسن (1377)؛ «اندیشه در اسرار مقدمات نماز»، رشد آموزش معارف اسلامی، س 10، ش 35، 6 صفحه (از 38 تا 43)، ص 38.
- 18- سپهری، سهراب (1389)؛ آب را گل نکنیم (هشت دفتر شعر)، تهران: پَر، چ اول.
- 19- سجادی، سیدجعفر (1362)؛ فرهنگ لغات و اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، تهران: کتابخانه طهوری.

- 20- سراج طوسی، ابونصر عبدالله بن علی (1388)؛ **اللمع فی التصوف**، تصحیح و تحشیه رینولد آلن نیکلسون، ترجمه مهدی محبتی، تهران: اساطیر، چ دوم.
- 21- سعیدی‌روشن، محمدباقر (1388)؛ «**روش پلکانی مفهوم‌شناسی واژگان قرآن**»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، ش 1، 18 صفحه (از 77 تا 94)، ص 90.
- 22- سیدنژاد، اشرف‌السادات (1391)؛ «**حضور قلب در نماز**»، اصلاح و تربیت، ش 120، 7 صفحه (از 32 تا 38)، ص 33.
- 23- شایسته‌نژاد، علی‌اکبر (1389)؛ «**صلوه‌الوسطی**»، علوم اسلامی، س 5، ش 18، 24 صفحه (از 125 تا 148)، ص 139.
- 24- صادقی‌حسن‌آبادی، مجید- نیلی‌احمدآبادی، هاجر (1391)؛ «**هویت‌شناسی نماز در مثنوی معنوی**»، انسان‌پژوهی دینی، س 9، ش 28، 24 صفحه (از 117 تا 140)، ص 132.
- 25- صفی‌پور، عبد الرحیم بن عبد الکریم (1377ق.)؛ «**منتهی الارب فی لغه العرب**»، تجدید طبع به طریقه‌ی افست، تهران: کتابخانه‌ی سنایی.
- 26- طبرسی، حسن بن فضل، (بی‌تا)؛ **ترجمه‌ی مکارم الاخلاق**، ترجمه ابراهیم میرباقری، تهران: فراهانی.
- 27- طبری، محمد بن جریر (1356)؛ **ترجمه‌ی تفسیر طبری**، به اهتمام حبیب یغمایی، 7 مجلد، تهران: توس، چ دوم.
- 28- عزالدین کاشانی، محمود بن علی (1381)؛ **مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه**، تصحیح جلال الدین همایی، تهران: موسسه نشر هما، چ ششم.
- 29- عطار نیشابوری، فرید الدین محمد بن ابراهیم (1388)؛ **تذکره الاولیاء**، بررسی؛ تصحیح و توضیحات محمد استعلامی، تهران: زوار، چ نوزدهم.
- 30- عین القضاة همدانی، ابوالعالی عبدالله بن محمد (1389)؛ **تمهیدات**، مقدمه؛ تصحیح؛ تحشیه و تعلیق عقیف عسیران، تهران: منوچهری، چ هشتم.
- 31- فره‌وشی، بهرام (1352)؛ **فرهنگ پهلوی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم.
- 32- قبادیانی، ناصر خسرو (1390)؛ **وجه دین**، تهران: اساطیر، چ سوم.
- 33- قرآن کریم.
- 34- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن (1388)؛ **رساله‌ی قشیری**، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزان‌فر، تهران: زوار، چ دوم.
- 35- قنبری، بخشعلی (1385)؛ «**درک حضور؛ نماز در نگاه مولوی**»، اسلام‌پژوهی، ش 2، 18 صفحه (از 101 تا 118)، صص 109 و 117.
- 36- کلابادی، ابوبکر محمد (1371)؛ **کتاب تعرف** (متن و ترجمه)، به کوشش محمدجواد شریعت، تهران: اساطیر، چ اول.
- 37- مکنزی، دن. (1373)؛ **فرهنگ کوچک زبان پهلوی**، ترجمه مهشید میرفخرائی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چ اول.
- 38- موسوی، سیدرضا- موحدی نیا، عطاءالله (1390)؛ «**مطالعه‌ی رابطه‌ی بین انجام فریضه‌ی نماز و سلامت عمومی در بین دانشجویان دانشگاه‌های شهر کرمان**»، روان‌شناسی و دین، س 4، ش 1، 16 صفحه (از 105 تا 120)، ص 106.
- 39- مولوی، جلال الدین محمد بن محمد (1387)؛ **فیه ما فیه** (مقالات مولانا)، تصحیح بدیع‌الزمان فروزان‌فر، تهران: خیام، چ اول.
- 40- میرآخوری، قاسم (1386)؛ **مجموعه آثار حلاج**، تهران: شفیعی، چ اول.
- 41- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان (1389)؛ **کشف المحجوب**، مقدمه؛ تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران: سروش، چ پنجم.
- 42- یاحقی، محمدجعفر (1377)؛ **فرهنگ‌نامه‌ی قرآنی**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، چ دوم.